

موضوع: مراجعه ۴۹

اجمال مباحث کتاب المراجعات

بحث درباره امامت تا مراجعه ۴۸ انجام شد. اکنون به مراجعه ۴۹ می پردازیم. مباحثی که تا کنون بیان شده به صورت اجمال چنین است:

اجمالاً کتاب المراجعات دارای دو بخش است:

۱. بخش اول به این مساله می پردازد که کدام مذهب از میان مذاهب مختلف واجب الاتباع است؟ یک طرف مذهب اهل البیت (ع) و در نقطه دیگر مذاهب دیگری همچون اشعری، شافعی، مالکی، حنفی و مانند آن است. این بحث تا مراجعه ۲۰ ادامه دارد. ۲. بخش دوم که از مراجعه ۲۰ به بعد بیان می شود امامت عامه است و به این مساله می پردازد که خلیفه مسلمین بعد از پیامبر اکرم (ص) چه کسی بوده است؟ اولین نصی که در اینجا مورد بررسی قرار می گیرد، حدیث یوم الدار است که در ذیل آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» بیان شده است. وقتی این آیه نازل شد، پیامبر (ص) مامور به دعوت خویشاوندان خود شدند. بعد به آنها فرمودند: کدام یک از شما دعوت مرا می پذیرد تا خلیفه بعد از من باشد. سپس آیه ولایت مورد بحث قرار گرفت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^۱.

مراجعه ۴۹

شیخ سلیم بشری در این مراجعه به فضائل امیرالمؤمنین (ع) که در احادیث چهل گانه و بیش تر که در مراجعه ۴۸ بیان گردید اعتراف کرده ولی دلالت آنها را بر امامت آن حضرت نپذیرفته است. ترجمه مطالب وی چنین است: امام ابو عبدالله احمد بن حنبل گفته است: برای هیچ یک از اصحاب رسول خدا (ص) فضیلت هایی مانند فضیلت های علی بن ابی طالب (ع) نقل نشده است.^۲

ابن عباس گفته است: «آن اندازه از آیات قرآن که درباره (مدح و منقبت) علی (ع) نازل شده درباره فردی دیگر نازل نشده است».^۳ وی همچنین گفته است: «سپصد آیه از قرآن کریم درباره (مدح و منقبت) علی (ع) نازل شده است».^۴ همو گفته است: «خداوند

^۱ سوره مائده، آیه ۵۵

^۲ ما جاء لأحد من أصحاب رسول الله من الفضائل ما جاء لعلي بن أبي طالب. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۴۵۷۲. ذهبی در تلخیص المستدرک در مورد این حدیث سکوت کرده است. در نقل دیگری از احمد بن حنبل آمده است: «ما روی لأحد من أصحاب رسول الله (ص) من الفضائل الصحاح ما روی لعلي بن أبي طالب». شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹، ح ۹

^۳ ما نزل فی احد من کتاب الله ما نزل فی علی (ع). این مطلب را ابن عساکر و بسیاری از اصحاب سنن نقل کرده اند.

^۴ نزل فی علی ثلاث مائة آیه من کتاب الله عزوجل. این حدیث را نیز ابن عساکر نقل کرده است. نیز ر.ک: الصواعق المحرقة، ص ۱۶، باب ۹، فصل ۳

در هیچ جای قرآن آیه «یا ایّها الذین آمنوا» را نازل نکرده، مگر این که علی (ع) امیر و شریف آنان است و خداوند در بسیاری از آیات، اصحاب پیامبر (ص) را مورد عتاب قرار داده است، ولی علی (ع) را جز به نکویی یاد نکرده است.^۵

عبدالله بن عیاش ابن ابی ربیعہ گفته است: «علی (ع) جایگاهی استوار در علم داشت. پیشگام در اسلام و داماد پیامبر (ص) بود. دارای آگاهی در سنت، شجاعت در جنگ و جود و بخشش در مال بود».^۶

از امام احمد بن حنبل درباره علی (ع) و معاویه سوال شد، گفت: «علی (ع) دشمنان بسیاری داشت. آنان از معایب وی جست و جو کردند اما چیزی نیافتند، لذا مکر و حیلہ کردند و به مردی که با او در جنگ بود توجه کردند و او را مدح و ستایش نمودند».^۷

قاضی اسماعیل، نسائی، ابوعلی نیشابوری و دیگران گفته اند: «آن اندازه روایات با سندهای مورد قبول که درباره علی (ع) نقل شده درباره هیچ یک از صحابه یافت نمی شود».^۸

اشکال ابومریم اعظمی

ابومریم اعظمی در مورد این مراجعه که مشتمل بر سخنان شیخ سلیم است گفته است: از مطالبی که در مراجعه ذکر شده تنها سه نص که منصوب به ابن عباس است را بررسی می کنیم، و مطالب دیگر که اقوال تابعین و ائمه (حدیث) است دلالتی بر مطلوب رافضه ندارد، بلکه تنها مدح و ثنای علی (رضی الله عنه) است که سزاوار آنها بوده و بر مدح و ثنای دیگر صحابه افزون نمی باشد. وی سپس به تبیین ضعف سند احادیث سه گانه ای که از ابن عباس نقل شده پرداخته است.^۹

پاسخ

^۵ این مطلب را طبرانی و ابن ابی حاتم و بسیاری از اصحاب سنن نقل کرده اند و ابن حجر مکی این حدیث و احادیث سه گانه قبل را در فصل سوم باب نهم الصواعق المحرقة نقل کرده است. نیز ر.ک: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۱، ح ۱۳

^۶ این مطلب را اهل اخبار و اصحاب سنن از او نقل کرده اند و در الصواعق، ص ۱۶، باب ۹، فصل سوم نقل شده است.

^۷ این مطلب را سلفی در «الطیورات» گزارش کرده و ابن حجر در الصواعق، مدرک پیشین نقل کرده است.

^۸ نقل این مطلب از آنان مستفیض است و ابن حجر آن را در الصواعق المحرقة، اول فصل دوم، باب نهم، ص ۱۵۲ نقل کرده است. ر.ک: الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۱۵، ترجمه علی بن ابی طالب (ع) (۱۸۵۵).

^۹ الحجج الدامغات، ج ۲، ص ۵۲۱-۵۲۲

۱. بر فرض درستی سخن اعظمی در ضعیف بودن سند احادیثی که از ابن عباس نقل شده، این مطلب دلیل بر مجعول بودن و نادرستی مضمون آنها نخواهد بود، زیرا آیاتی از قرآن کریم که درباره علی (ع) نازل شده مانند آیه مباحله^{۱۰}، آیه ولایت^{۱۱}، آیه اکمال دین^{۱۲}، آیه تطهیر^{۱۳} و نظایر آنها مؤید مضمون و مدلول آنها است. با توجه به آیه ولایت و روایات شأن نزول آن، امیرالمؤمنین (ع) پس از ولایت خدا و رسول اکرم (ص) بر مؤمنان ولایت دارد. بنابراین، در همه آیاتی که مؤمنان ذکر شده اند، آن حضرت به عنوان ولی آنان مقصود است و این همان مفاد و مدلول حدیث سوم از ابن عباس است، چنان که هرگونه مدح و ثنایی که در قرآن کریم برای مؤمنان ذکر شده است، به طریق اولی شامل علی (ع) نیز خواهد بود که به ضمیمه مدح و ثنایی که در آیات ویژه آن حضرت بیان گردید، مدلول نخستین حدیث او نیز اثبات می شود.

۲. عباراتی که از برخی تابعین یا ائمه حدیث اهل سنت نقل شده، بیان گر برتری امیرالمؤمنین (ع) بر دیگر صحابه پیامبر (ص) می باشد و صرفاً بر فضیلت هایی در تراز فضیلت های دیگر صحابه دلالت نمی کند. امام احمد بن حنبل با صراحت بیان کرده که برای هیچ یک از اصحاب رسول خدا (ص) فضیلت هایی مانند فضیلت های علی ابن ابی طالب (ع) نقل نشده است.

این مطلب را حاکم نیشابوری در «المستدرک» نقل کرده و ذهنی نیز بر سند آن خدشه ای وارد نکرده است. البته ممکن است اعظمی این سخن احمد بن حنبل را نپذیرد، ولی نمی تواند بگوید این سخن وی بر فضیلت علی (ع) بر دیگر صحابه دلالت ندارد. اکنون اگر اعظمی کسی را که به فضیلت علی (ع) بر سایر صحابه معتقد است رافضی می داند، باید احمد بن حنبل را هم رافضی بداند. و در هر حال این سخن وی، با دیدگاه شیعه درباره فضیلت امیرالمؤمنین (ع) بر دیگر صحابه کاملاً هماهنگ است.

سخن قاضی اسماعیل، نسائی و ابوعلی نیشابوری نیز به روشنی بر برتری امیرالمؤمنین (ع) بر دیگر صحابه دلالت می کند، زیرا آنان آشکارا گفته اند آن اندازه روایات با سندهای مورد قبول که درباره علی (ع) نقل شده در باره هیچ یک از صحابه وجود ندارد. روشن است که این روایات درباره فضایل و مناقب امیرالمؤمنین می باشد که در بین آنها حدیث منزلت، حدیث «أنت منی و أنا منک» و حدیث اخوت و حدیث «علی مع الحق و الحق مع علی» و حدیث «علی ولی کل مؤمن بعدی» و حدیث کساء و نظایر آنها وجود دارد که هر یک از آنها بر برتری مقام و منزلت علی (ع) نزد خداوند و رسول اکرم (ص) دلالت می کند تا چه رسد به مجموع آنها.

^{۱۰} سوره آل عمران، آیه ۶۱

^{۱۱} سوره مائده، آیه ۵۵

^{۱۲} سوره مائده، آیه ۳

^{۱۳} سوره احزاب، آیه ۴۴

بنابراین، اشکال اعظمی بر آنچه در مراجعه ۴۹ درباره افضلیت امیرالمؤمنین (ع) بر دیگر اصحاب رسول اکرم (ص) بیان شده، وارد نیست، خواه سند روایات ابن عباس ضعیف باشد یا معتبر.

نکته ای در مورد هفته وحدت

اکنون در هفته وحدت هستیم. مرحوم شرف الدین از علمای تقریب و وحدت و از بزرگان این مساله هستند. وحدت به این معنا نیست که شیعه، سنی شود یا بالعکس، بلکه سخن در این است که مذاهب در عین اختلاف نظر با هم وحدت داشته باشند، به این معنا که اولاً: روی جهات مشترک تاکید کرده و آنها را پررنگ کنند؛ ثانیاً: موارد اختلاف را بزرگ نمایی نکنند؛ ثالثاً: اختلافات علمی را به خصومت بدل نکنند. مگر همه علمای اهل سنت در مسائل مختلف اتفاق نظر دارند؟ خیر، گاه اختلافات شدیدی میان آنها وجود دارد اما آیا این اختلافات به خصومت در آن مذهب می انجامد؟ خیر. در مورد مباحث بین المذاهبی نیز باید همین گونه رفتار شود. بله در این مساله گروهی همچون ناصبی ها که بغض نسبت به اهل بیت (ع) دارند و نیز شیعیان ندن نشین که به دنیال دشنام به عایشه و صحابه و مانند آن هستند خارج اند.

با بدگویی به مخالفین نمی توان از اهل بیت دفاع کرد. بهترین راه معرفی اهل بیت (ع) به جهانیان اول این است که محاسن کلام آنان را بیان کنیم، همان گونه که خودشان فرمودند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»^{۱۴}. دوم سیره آنان را بیان کنیم که خیلی جذاب است. معلى بن خنيس گفت شبى بارانى حضرت صادق عليه السلام از منزل بقصد سايه بان بنى ساعده بيرون شد. من نيز از پى ايشان رفتم ديدم چيزى در راه گم کرده ميگويد بسم الله خدايا گم شده ما را برگردان.

من جلو رفته سلام کردم فرمود معلى با دستت جستجو کن هر چه پيدا کردى بمن بده وقتى دست کشيدم ديدم نان روى زمين افتاده هر چه يافتم بايشان تقديم کردم مشاهده نمودم انباني از نان برداشته عرض کردم آقا اجازه بدهيد من بردارم. فرمود نه من بايد بردارم ولى بيا با هم برويم. معلى گفت آمديم تا رسيديم بظله بنى ساعده. ديدم عده اى در خواب هستند شروع کرد براى هر نفر يك يا دو نان زير جامه اش پنهان مى کرد تا براى همه گذاشت بعد برگشتيم.

عرض کردم آقا فدائيت شوم اينها عارف بامام هستند؟ فرمود اگر امام شناس بودند هر چه داشتيم با آنها ميخورديم حتى نمک را هم با هم تقسيم ميکرديم.^{۱۵}

﴿.....﴾ اللهم صل على محمد و آل محمد

^{۱۴} بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۰

^{۱۵} بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۷، ص ۲۰